



بررسی نیازهای تربیتی در تربیت صحیح

سید نورالدین حسینی^{۱*}

¹³ اداره آموزش و پرورش سرگروه کیفیت بخشی فعالیت های پرورشی استان کهگیلویه و بویراحمد، گروه علوم تربیتی، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران

(1) چکیده

هدف این مقاله بررسی نیازهای تربیتی در تربیت صحیح است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. از نظر این پژوهش تربیت در اصطلاح عبارت است از شکوفایی استعدادهای درونی انسان در حیطه های سه گانه ارتباطی او. واژه «تربیت» گاه به معنی بسیار گسترده ای به کار رفته و آن را به مجموعه تأثیراتی که طبیعت یا آدمیان دیگر می توانند بر عقل یا اراده افراد داشته باشند، تلقی کرده اند. غالباً متفکران تربیتی متناسب با مکتب و نظریه های مورد قبول خود، تربیت را از دو جنبه فردی و اجتماعی در نظر دارند. کسانی که به جنبه های فردی تربیت نظر دارند آن را کوششی در جهت غنی کردن تجارب فردی انسان و شکوفایی استعدادها و رغبت های او معرفی می کنند و دیگرانی که به جنبه های اجتماعی تربیت توجه دارند آن را وسیله ای برای اجتماعی شدن انسان می دانند. چنانچه روشن است ویژگی مشترک تمام این تعاریف تأکید بر فرد، ویژگی های وی و تغییر و تعالی در او است. در این نوشتار، به بررسی تربیت و مفاهیم آن در تربیت به عنوان یک نیاز پرداخته شده و در پایان نتیجه گیری می گردد.

(2) واژگان کلیدی:

تربیت اجتماعی
تربیت
جامعه پذیری
اجتماعی شدن
نیاز

* نویسنده مسئول

✉ سید نورالدین
ح. آموزش و پرورش
سرگروه کیفیت بخشی
فعالیت های پرورشی
استان کهگیلویه و
بویراحمد، گروه علوم
تربیتی، دانشجوی
دکتری فلسفه تعلیم و
تربیت اسلامی، دانشگاه
آزاد اسلامی واحد لامرد
Seidnoor14@gmail.com



(3) طرح مسأله؛

انسان‌ها غالباً به برنامه‌ریزی برای آینده می‌پردازند، درواقع، هر زندگی نیازمند تصویری کلان و طرحی کلی است که انسان‌ها از طریق تعامل سه‌گانه فرد، جامعه و تربیت به ترسیم آن می‌پردازند. لذا باید به این تعامل توجه نمود. تربیت، فرایندی مستمر است که در بستر جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، ابعاد اساسی هویت فرد در تعامل با دیگران و از طریق روابط گروهی شکل می‌گیرد. به این دلیل تربیت اجتماعی یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت را تشکیل می‌دهد. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می‌باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب‌های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال‌های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

(4) بدنه ی مقاله؛

تعریف تربیت

میل¹ تربیت را هر آن چه که فرد انجام می‌دهد یا دیگران برای ما انجام می‌دهند تا ما را به کمال طبیعتمان نزدیک کنند، می‌داند. به نظر کانت²، هدف تربیت در هر فرد، پرورش یا شکوفایی هرگونه کمالی است که او آمادگی آن را دارد (کریم³ 1385 ص 34). از نظر افلاطون³ هدف عمده تربیت، کشف استعدادهاي برجسته و آماده ساختن افراد برای زمامداری در جامعه آرمانی، یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است (وفا⁴ 1394 صص 26-36).

¹ . John Stuart Mill

² coante

³ aphlatoon



تعریف تربیت اجتماعی

در مورد این واژه در کتاب های جامعه شناسی مبحثی را مطرح کرده اند که از آن به عنوان «جامعه پذیری» یاد می کنند و در تربیت اجتماعی همین واژه است که به معنای «تربیت اجتماعی» نزدیک می باشد (محسنی، ۱۳۹۶ ص ۱۰۵). جامعه پذیری^۱ از دهه ۱۹۴۸ میلادی مورد استفاده جامعه شناسان قرار گرفت (قوام، ۱۳۹۱ ص ۷۱) و از آن به عنوان مهم ترین عامل در اجتماعی شدن انسان ها می دانند. (خدادادی، ۱۳۹۴ ص ۱۲۷). در تعریف جامعه پذیری گفته می شود: «فرآیندی است که به انسان می آموزد که چگونه در جامعه به عنوان یک عضو فعال مشارکت کند، با اعضا همکاری کرده و از هنجارهای پذیرفته شده از سوی جامعه پیروی کند.» (الهامی‌نیا، ۱۳۹۶ ص ۸۶) و یا به طور ساده تر می توان گفت: «بیان این که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ (ارزش ها و هنجارهای آن) انطباق می یابد.» (نیک گهر ۱۳۹۹ ص ۳۰۵) با استفاده از مباحث مطرح شده در جامعه شناسی و نیز بهره گیری از مسایل تربیتی، می توان تربیت اجتماعی را اینگونه تعریف کرد: «تربیت اجتماعی عبارت است از تامین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد به منظور موثر بودن او در برخوردهای اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیر منطقی، توافق و سازگاری و امور نظیر آنها.» (منصورنژاد، ۱۳۹۴ صص ۳۱ - ۴۴)

معناشناسی تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی در گرو داشتن تصویر روشنی از اجتماعی بودن است، خود به چه معناست. بر اساس آنکه چه ماهیت یا ویژگی‌هایی را برای اجتماعی بودن لحاظ کنیم، تربیت اجتماعی و اصول و شیوه‌های آن، به گونه خاصی رقم خواهد خورد و هر شکل معینی از تربیت اجتماعی، مبتنی و مسبوق به پیش زمینه‌های معینی در باب مفهوم اجتماعی بودن، خواهد بود (منادی، ۱۳۹۶ ص ۳۸۶). اساساً تربیت اجتماعی که به مفهوم تحول درونی در تمامی موضوعات اجتماعی است. نقش مهمی در کارکرد فرد در جامعه دارد و به واسطه آن، آدمی در طول حیات خویش عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه درونی می کند. تا با

^۱. Socialization



ساخت شخصیت فرد یگانه شده به پرورش انسان‌های رشد یافته دست یابد (مظلومی، ۱۳۹۵ صص ۳۵-۴۸). دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تربیت اجتماعی وجود دارد. برخی تربیت اجتماعی را یک جریان تکوینی و تعاملی دانسته و معتقدند که باید مبتنی بر روش «کشف»، باشد و نه «کسب»؛ آنها بر این باورند که کودک در فرایند کشف است که «اجتماعی شدن» را شخصاً تجربه می‌کند. در این فرایند کودک یاد می‌گیرد چگونه به سبک خویش و بر اساس علاقه و حس خصوصی‌اش با تجربه و واقعیت بیرونی سازگار شود. در این راستا «جان دیویی» هسته بنیادی تربیت اجتماعی فرد را «کشف تجربه» قلمداد می‌کند و معتقد است مدرسه صرفاً مکانی برای آماده ساختن کودکان به قصد زندگی اجتماعی نیست؛ بلکه «خود زندگی» است. این تعبیر از تربیت اجتماعی، نشان‌دهنده آن است که «اجتماعی شدن»، فرایندی درونی و سیال در بستر زندگی است؛ اما این بدان معنا نیست که تربیت اجتماعی از مراقبت و مداخله سازنده و بالنده بزرگسال خالی باشد. هرچند جامعه و ساختارهای اجتماعی و تاریخی آن در روند شکل‌دهی هویت افراد تعیین‌کننده هستند، اما قدرت انتخاب و پالایش عوامل و فرصت‌های پیشرو می‌تواند از جانب افراد به منزله خمیرمایه رفتار و اخلاق آنها تلقی شود. هرچند کودک در ابتدا هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را از بزرگسال کسب می‌کند، اما این اکتساب عموماً بدون تغییر و دستکاری منتقل نمی‌شوند؛ بلکه به تعبیر «ژان پیاژه»^۲ «کودک، بر اساس «درون‌سازی»^۳ و «برون‌سازی»^۴ که دو سازوکار هوش به شمار می‌روند در برخورد با واقعیت، جهان درون را تابع جهان بیرون و جهان بیرون را به رنگ جهان درون خویش در می‌آورد. این انطباق یا سازگاری در فرایند «اجتماعی شدن» نقش مهمی دارد. به همین سبب است که علیرغم وجود محیط‌های یکسان برای افراد، کنش‌های متفاوت اجتماعی خلق می‌شود و با وجود همسانی شرایط، تعامل افراد در برابر این شرایط به تناسب تفاوت‌های فردی و ساختارهای شناختی و فرایندهای عاطفی دگرسان می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱ ص ۱۰۷).

آغاز تربیت

^۱ John Dewey

^۲ . Jean Piaget

^۳ . Assimilation

^۴ Accommodation



برای اینکه بتوانیم تأثیر تربیتی بر روی فرزندان و دانشآموزان خود داشته باشیم، لازم است پیوسته به تربیت خود بیندیشیم و در این راه قدم برداریم. این به دلایل زیر لازمه تربیت است: 1- انسان بیش و پیش از آنکه از کلام دیگران تأثیر بگیرد، از عمل آنان اثر میپذیرد. درک کلام، مستلزم شکلگیری نظام زبانی و معنایی در ذهن انسان است. تا انسان سابقه کافی و وافی از چیزی در ذهن نداشته باشد، پیام زبانی مربوط به آن چیز را به درستی درک نمیکند. در حالی که درک عمل بسیار زودتر و سادهتر انجام میپذیرد. 2- تربیت خویش، مستلزم آموزش مادامالعمر است. یادگیری مادامالعمر موجب میشود مربی و معلم، پیوسته از مربی خود جلوتر باشند و همین امر نفوذ آنان را مستدام میسازد. معلمان و مربیان و والدینی موفقند که در یکجا راکد باقی نمیمانند و عملاً توانمندی خود را در یادگیری نشان میدهند. 3- کسانی که دست به کار تربیت میشوند، به خصوص تربیت خود، به دشواریهای تغییر خویشتن بیشتر واقف شده، اندیشههای واقعینانه در مورد مربی خود پیدا میکنند. (مرتضوی، ۱۳۹۹ ص ۵۶).

ابعاد تربیت

در تربیت باید به رشد همه جانبه و متوازن شخصیت مربی توجه داشت. نگرش محدود در تربیت نمیتواند ما را به هدف برساند. انسان موجودی است واحد. هرچند که به اعتباری مرکب است از جسم و جان، به رغم یگانگی وجود انسان و غیر قابل تجزیه بودنش، دارای ابعاد گوناگون است. مهمترین ابعادی که میتوان برای زندگی روانی انسان برشمرد عبارتند از: 1- بعد شناختی 2- بعد عاطفی 3- بعد حرکتی- جسمانی 4- بعد اجتماعی 5- بعد اخلاقی 6- بعد هنری. این ابعاد نه تنها یکپارچگی روانی انسان را تهدید نمیکند، بلکه مقوم و مؤید آن نیز هست، هر بعد با حفظ حدود خود، متأثر از سایر ابعاد و وابسته به آنها نیز میباشد. بعد شناختی انسان بر جنبههای ادراکی او تأکید دارد. برای پرورش جنبه شناختی کودک نه تنها باید تصورات و تصدیقاتی را به عنوان مصالح اولیه تفکر در اختیار کودک قرار دهیم، بلکه مهمتر از آن باید به نحوه پردازش دادههای شناختی نیز توجه داشته باشیم. یعنی نه تنها باید افکار را به کودک آموخت، بلکه باید روش فکر کردن را نیز به وی آموزش داد (فیاض بخش، ۱۳۹۹ ص ۴۵). توجه به جنبه عاطفی انسان یعنی بعد انگیزشی و شکل دادن و پرورش انگیزههای مثبت و حذف انگیزههای منفی، از وظایف مهم تربیت است. توجه به بعد حرکتی- جسمانی انسان در تربیت، یعنی سالم و متعادل نگه داشتن جسم و حرکات نیز از جمله وظایف تربیتی است (منادی،



1396 ص 86). تربیت اجتماعی در حقیقت آماده کردن افراد برای ورود به بازیهای قانونمند اجتماعی است. محیط از طریق ارائه قواعد و قوانین و هنجارها، و پیگیری در انجام آن، وجدان اخلاقی را در درون فرد شکل داده، تقویت میکند. تربیت باید به پرورش این بعد از شخصیت کودک توجه داشته باشد. دیدن و درک زیباییها و نیز آفریدن زیباییها باید در تربیت مورد توجه قرار گیرد. او را باید برای ایجاد صحنهها و آثار زیبا تشویق کرد (کریمی 1398 ص 123).

تربیت در کودکی انسان

انسان در مقایسه با سایر حیوانات رشدی بسیار آرام ولی گسترده و عمیق دارد. فرزندان حیوانات، بسیار سریع به استقلال میرسند، ولی فرزند انسان بسیار کند به این درجه و مرحله میرسد. با این حال انسان میتواند در مسیر رشد و کمال خود به نقاطی برسد که هیچ موجودی نمیتواند به آن سطح دسترسی پیدا کند. در تربیت باید برای رسیدن به اهداف بلند و عالی، عزم را جزم کرد و با آرامش، لکن با استواری و استحکام به طرف آن اهداف حرکت کرد. عجله کردن برای رسیدن به اهداف، آن هم اهدافی ظاهری نه تنها به سود تربیت نیست، بلکه به آن آسیبی جدی وارد میکند (فیاض بخش، 1399 ص 145).

تفاوتهای فردی در تربیت

توجه به تفاوتهای فردی، لازمة یک تربیت متعادل و درست است. انسانها همه یکسان خلق نشدهاند و مربیان باید ضمن داشتن برنامه کلی در تربیت، به ویژگیهای منحصر به فرد هر یک از متربیان توجهی خاص داشته باشند. بنابراین لازم است: 1- مربیان به ویژگیهای اساسی و بنیادی در تربیت از قبیل هوش، انگیزش، خلاقیت و سلامت روانی توجه داشته، تفاوتهای فردی متربیان را در این زمینهها مورد عنایت قرار دهند. 2- جایگاه هر مربی را در میان همسالان خود مشخص کنند. 3- پیشرفت کودک و نوجوانی را نسبت به خود او در نظر بگیرند. 4- در طراحی برنامههای تربیتی مربی را قرار دهند، نه برنامه را (شعاری نژاد، 1398 ص 157).

انگیزه و تربیت

کودک در زندگی باید با گامها و انگیزه خود حرکت کند. بازده اندک کودک را به نتیجه بالا و درخشانی که با فشار و تلاش ما به دست آمده است، نفروسیم. اولین نکته در تقویت انگیزههای درونی کودک،



مواجه کردن کودک با محرومیت‌های نسبی و شناخت انگیزه‌ها و راه‌های پاسخگویی به آنهاست. شاگردی که نمره خوبی دریافت میکند مستوجب دریافت تشویق و توجه بیشتر است و دانش‌آموزی که نمره کمتری به دست می‌آورد، تشویق و توجه کمتری دریافت میکند و یا حداکثر اینکه تشویق و یا توجهی دریافت نمیکند، نه اینکه چوب بخورد و تنبیه شود. از جبر پنهان و یا عوامل برانگیزاننده استفاده کنیم. اگر به نوجوانی که با سهلانگاری وضو میگیرد، بگوییم: "به این شکل که وضو میگیری بهتر است نماز نخوانی، زیرا نماز با تمامی مقدمات و اجزایش باید درست باشد." (شریعتمداری، ۱۳۹۹ ص ۱۸۸) آنچه میتواند کودک را به طرف رشد و کمال سوق دهد، انگیزه‌هایی است که از درون او را به سمت اهداف هدایت میکند. این انگیزه‌ها باید شناخته شده، در جهت تحریک بیشتر کودک و نوجوان تقویت شوند. (دراز، ۱۳۹۷ ص ۱۴۳).

نسبیت در تربیت

تلاش و بازدهی که متناسب با توان کودک است باید تشویق و تقویت شود. انتظار نداشته باشیم که فرزندان در عمل و شخصیت، کامل و بینقص باشد. برای تعیین ملاکی برای تنبیه و تشویق رفتار از عوامل خارجی و آرمانی کمتر استفاده کنیم. مثلاً رفتار فرزندان را با کودک و یا نوجوان دیگری، هرچند هم سن و سال و یا کوچکتر از او باشد، مقایسه نکنیم. کودک یا نوجوان باید با خودش مقایسه شود (داودی، ۱۳۹۰ ص ۱۶۶). تربیت بدون تشویق و تنبیه مناسب، امکانپذیر نیست. لکن باید توجه داشت که هرچیزی در مورد کودک نمیتواند مورد تشویق و یا به خصوص مورد تنبیه واقع شود. مثلاً نباید تغییراتی که خارج از اختیار و اراده کودک و نوجوان است، زیاد مورد تشویق قرار گیرد و یا خدای ناکرده تنبیه شود. آشفستگی دوره نوجوانی چیزی نیست که به سبب آن نوجوان را تنبیه و یا سرزنش کنیم. همچنین به دلیل زیبایی چهره و یا هوش سرشار یک کودک نباید او را مورد تشویق قرار داد، بلکه آن چیزی که باید مورد تشویق قرار گیرد، "عمل" و بازده موفقیت‌آمیز کودک و نوجوان است. (باقری، ۱۳۹۴ ص ۷۸).

هیجان و تربیت

در کار تربیت، هیجانی بودن رابطه عکس با تأثیر مثبت دارد. سه جزء "شناخت"، "انگیزه" و "حرکت" اجزای مکمل برای انجام یک کار هستند. هیجانی شدن، کنترل فرد را بر رفتارش کاهش میدهد، و از



آنجا که تسلط بر خویشتن لازمة تربیت است، هیجانی شدن، این تسلط را کاهش میدهد در نتیجه ح تربیت بیش از پیش ضایع میشود (امینی، 1391 ص 65). مربی باید یکی از عناصری که در تربیت باید به مربی خود منتقل کند همین عنصر تسلط بر خویشتن است. مربی باید تلاش کند میزان تسلط فرد بر اعمال و امیالش را افزایش دهد. هرچند که هیجانات بخشی از زندگی ما هستند، لکن باید مهار شوند و به شکل معقول مورد استفاده قرار گیرند. در تربیت باید گفت که نمیتوان هیجانی بود و با هیجان عمل کرد، بلکه آرامش و سکینه لازمة تربیت است. (امین زاده، ۱۳۹۶ ص 56).

نگرش مثبت به کودک در تربیت

مربیان به طور معمول، در مواجهه با متربیان خود، آنان را مورد ارزیابی قرار میدهند. این گونه ارزیابیها بیشتر از آنکه ارزیابی واقعی دیگری باشد، منعکس کننده ویژگیهای ماست. یکی از علتهای مؤثر در شکلگیری خود پنداره نحوه واکنش اطرافیان فرد در مقابل اعمال و رفتارهای اوست. اطرافیان کودک یا نوجوان به کرات رفتار او را ارزش گذاری میکنند و از رفتارهای عینی و جزئی او قواعد کلی میسازند و به او منعکس میکنند. چنین کاری به تدریج خود پنداره خاصی در کودک و یا نوجوان شکل میدهد و او را به سمت یک اسناد خاص رهنمون میشود (امید بیگی، 1391 ص 43). اگر کار غلط و ناشایستی انجام میدهند، تنها غلط بودن آن کار را به آنان گوشزد کنیم و آن را کلی نکنیم. هر یک از ما انسانها تصویری از خودمان داریم که اصطلاحاً آن را خود پنداره میگویند. خود پندارهها ممکن است مثبت یا منفی، ضعیف یا قوی باشند. کسی ممکن است تصویری مثبت از خود داشته باشد و با دید واقعینانه خودش را ارزیابی کند. در حالی که فرد دیگری ممکن است تصویری منفی و بیکفایت از خود ارائه کند. برای یک تربیت صحیح باید به کودک یا نوجوان کمک کنیم تا خود پندارههای با کفایت مثبت و منفی او را واقعینی ببینیم و مورد ارزیابی قرار دهیم. میتوانیم صفات مثبت او را با قید کلی به کار ببریم، ولی نباید صفات منفی او را به شکل کلی به او منعکس کنیم. اگر نمره خوبی میگیرد، میتوانیم به او بگوییم این نمره نشانگر هوش بالای تو و یا پشتکار زیاد توست، ولی در مورد نمره کم درست نیست که بگوییم این نمره نشانگر کمهوشی و یا تبلی تو میباشد (افخمی اردکانی، 1394 ص 84).

محبت، نیاز مستمر در تربیت



انسان وقتی نیازهای اولیه‌اش تا حدی مرتفع می‌شود، نیازهای جدیدی را به میدان می‌آورد. از جمله اینکه انسانها از اولین سالهای زندگی می‌خواهند علاوه بر جای فیزیکی و آشکار، جایی نیز در قلبهای دیگران داشته باشند، یعنی نشان می‌دهند که طالب محبت دیگران هستند. این نیاز یک نیاز مستمر و حیاتی برای زندگی روحی و معنوی انسان است. احساس محبت نیز یک ضرورت مستمر برای حیات روحی ماست. برای تنبیه کودک نباید او را از محبت محروم کنیم، بلکه می‌توانیم از روشها و ابزارهای دیگری، به خصوص "توجه" و "بیتوجهی" استفاده کنیم (اسماعیل علی، و جواد رضا، ۱۳۹۴، مترجم، رفیعی ص 66).

اندیشه، جوهر انسانیت در تربیت

در مقایسه بین شیرین زبانی فرزندان و کلامی که از روی تأمل و تفکر به زبان آورده، کلام مبتنی بر تفکر را بیشتر از شیرین زبانی او مورد توجه قرار دهیم. در اینجا صحبت بر سر غلط بودن یا درست بودن کلام نیست، بلکه صحبت بر سر اندیشیدن و سخن گفتن است، حتی اگر سخنی نادرست باشد. برای تقویت گفتاری که بر اندیشه استوار است، باید به عمل متری توجه و دقت بیشتری مبذول نماییم (اردستانی، ۱۳۹۹ ص ۹۸). شرایط لازم برای فعال کردن ذهن متری را فراهم آوریم. از جمله اینکه سؤالاتی خوبی برای او مطرح کنیم. جریان تفکر او را پیگیری نماییم و او را با موقعیتهایی که برانگیزاننده اندیشه است مواجه سازیم. عقل و اندیشه انسان، پایه و اساس انسانیت را می‌سازند. رشد انسان در و اساس وابسته به رشد عقلی اوست. بر این اساس لازم است در تربیت فرزند تفکر عقلانی او را تقویت کنیم. این تقویت نه تنها به لحاظ فردی دارای اهمیت است، که به لحاظ اجتماعی و برقراری رابطهای سالم و سازنده در اجتماع نیز ضروری است به این جهت لازم است سخن و عمل مبتنی بر اندیشه را در متری تقویت کرده، عملاً نشان دهیم که ما تسلیم سخن حق و درست هستیم، حتی اگر عملاً بر خلاف میل و خواست ما باشد (امیل دورکیم، ترجمه، کاردان، ۱۳۹۸ ص 162).

احساس کرامت در تربیت

"احساس کرامت، حافظ سلامت روانی، اجتماعی و اخلاقی و پشتوانه تحرک و مسئولیتپذیری انسان است. آن را پیوسته برای متری خود تأمین کنیم." (آنتونی گیدنز، ترجمه، صبور، ۱۳۹۶ ص 71) یکی از وظایف تعلیم و تربیت، ایجاد "من آرمانی" مناسب برای



متربی است. خود بزرگینی، مقایسه خود با دیگران است؛ در حالی که احساس کرامت، توجه انسان به ارزش انسانی و الهی خویش است. کسی که دارای احساس کرامت است، برای دیگران، حتی مخالفان خود، ارزش قائل است. (ایمانی، محسن (1396 صص 55-65)، امام علی (ع): میفرماید: "أَلْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ. یعنی دانشمند کسی است که ارزش خویش را بشناسد و برای مرد (انسان) همین چهل کافی است که ارزش خود را نداند (دشتی، 1384 ص 234). اگر آنچه در مورد خود میشناسیم، همراه با کرامت و عزت نفس باشد ما را بیشتر به سمت کمال و ارزشهای مثبت سوق می دهد، ولی اگر خود را موجودی پست بدانیم، بیشتر به سمت آلودگیها سوق پیدا میکنیم. مهمترین مبنا برای این که خود را ارزشمند بدانیم این است که به ارزش واقعی انسان توجه داشته باشیم و انسان را با ملاکهای چون پول و یا قضاوت دیگران، مورد ارزیابی قرار ندهیم. باید در تربیت به فرزندان بگویم که او از آن جهت که یک انسان است و دارای کمالات انسانی است، ارزشمند است. این احساس ارزشمند میتواند او را از آسیبهای بسیاری مصون بدارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ص 65).

کنترلکنندههای رفتار در تربیت

تشویق و تنبیه دو جزء لاینفک در تربیت هستند. در درجه اول استفاده از روشهایی است که متربی را از انجام کارهای نامطلوب، ناخشنود کند. بیتوجهی، قهر، سرزنش، محرومسازی و امثال آنها شیوههای تنبیهی هستند که جنبه انسانی دارند. انسان در کنار نیازهای جسمانی خود، نیازهای روانی متعددی دارد که از جمله این نیازها، نیاز به توجه است. نیاز به توجه باید به شکل مثبت و سازنده ارضا شود و ضمن آن میتوان رفتارهای کودک و نوجوان را در جهت مطلوب شکل داد. نظر به اهمیتی که "توجه" در زندگی انسان دارد، (حیبی، 1386 صص 45-55). میتوانیم از "توجه کردن" به کودک یا نوجوان به عنوان پاداش و تقویت و از بیتوجهی به عنوان تنبیه یا به عبارت دقیقتر از بیتوجهی برای تقویت نکردن یک رفتار استفاده کنیم. (حسنی، 1397 صص 123-135).

مسالمتجویی در تربیت

در میان مراحل مختلف تحول راحتترین و آرامترین مرحله، سنین دبستانی، یعنی بین 6 تا 11 سالگی است. مراحل پیش از این و مرحله نوجوانی که پس از دوره دبستان قرار گرفته است. در درون



خود رفتارهایی دارند که میتواند مربی ناآشنا را به جنگ با مربی بکشانند. انجام اعمال تلافیجویانه از طرف مربی، احساس ستمدیدگی و مورد بیمهری قرار گرفتنی را در کودک ایجاد میکند. چنین شرایطی در سنین پیش دبستانی، اگر همراه با هیجانی شدن مربی به شکل عصبانی شدن، پرخاش کردن و یا گریه کردن باشد، اثری به مراتب بدتر به جای میگذارد. کودکی که احساس کند عملش تأثیر هیجانی بر مربی گذاشته، تقویت میشود که عملش را باز تکرار کند (خداپاری فرد، ۱۳۹۴ ص ۱۸۷). رسول اکرم اسلام -صلی الله علیه و آله- فرمود: نوجوان را در موضع مشاور و وزیر خود قرار دهد، تا او از این طریق هم خود را به منصة ظهور برساند و هم با مربی احساس همدلی و همحسی بیشتری کند (حسین نوری، ۱۴۱۱، ق ص ۲۳۴). مهمترین اختلالاتی که در زیر مجموعه اختلالهای رفتار اغتشاشگر یا ایذایی قرار میگیرند عبارتند از: الف) اختلال رفتار ارتباطی یا اختلال سلوک. ب) بیش فعالی، یا بدون نارسایی توجه. ج) اختلال تضادورزی مبارزه طلبانه (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲ ص ۷۷). مربی هرگاه احساس کینه و دشمنی با مربی خود داشته باشد، دیگر نمیتواند نفوذ و تأثیر تربیتی خویش را ادامه دهد. بنابراین مربی نه تنها باید خود را از داشتن احساس کینه نسبت به مربی دور کند، بلکه از انجام کاری که موجب برانگیختن احساس دشمنی در او میشود نیز باید برحذر باشد. (دورکیم، امیل، ترجمه کاردان، ۱۳۹۶ ص ۶۹).

راست و راستگویی در تربیت

در تربیت کودک، اعمال و احساسات ما نافذتر و تأثیرگذارتر از کلام ما بر مربی است. حضرت علی -علیه السلام- میفرماید: "لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ". یعنی زبانِ حالت و حال صادقتر از زبان گفتار است. اگر به مربی خود، احیاناً دروغ بگویم، زبان حال ما و به عبارتی رنگ رخساره ما واقعیتی دیگر را به او میگوید و در این هنگام است که ما به عنوان یک مربی در نزد و نظر او تبدیل به انسانی دور و دو چهره میشویم (خوانساری، ۱۳۸۶ ص ۱۸۷). امام کاظم -علیه السلام- و نیز از امام صادق -علیه السلام- نقل شده که فرمودهاند: «هرکسی که راستگو باشد، اعمالش منزه خواهد شد» (حکیمی، ۱۳۹۰ ص ۱۵۲). راستگویی و تقید به آن انسان را از ارتکاب اکثر اعمال نادرست اخلاقی باز میدارد. وقتی راستگویی بر اعمال فرد حاکم باشد، این مصالح فردی نیست که اعمال وی را تغییر میدهد، بلکه این واقعیت است که در عمل فرد متجلی میشود؛ و از آنجا که واقعیت یک چیز بیشتر نیست، عمل نیز از یکرنگی و وحدت تبعیت



میکند. با غلبه راستگویی بر رفتار و اخلاق آدمی، انسان از اضطراب ناشی از فاش شدن دروغهایی که میگوید و از اضطراب ناشی از چندگانگی رفتار و کلامش رها میشود و آرامش و سکون بر او حاکم میگردد (علاقه‌بند، 1389 ص 88). روان‌شناسان معتقدند که در اثر درونی شدن یک قاعده، وقتی کودک خلاف آن قاعده عمل کند، دچار احساس گناه میشود. این احساس گناه خود تنبیه‌کننده است. احساس گناه در اینجا یک عنصر تربیتی است و فرد به کمک آن از تکرار عمل نامقبول اجتماعی و اخلاقی پرهیز میکند (شارع‌پور، 1393 ص 179). در مورد راستگویی نکته دیگری را نیز باید مورد توجه قرار داد. قاعده راستگویی مستلزم گفتن همه چیز نیست. حضرت علی - علیه السلام - میفرماید: «نمی‌توانی راست گو باشی، مگر آن که برخی از آنچه را که میدانی کتمان کنی. کسی که هنر کتمان را بداند، از دروغ گفتن بیناز میشود» (شوشتری، 1386 ص 172).

(5) نتیجه‌گیری؛

از مطالب ارائه شده در مباحث پیشین نتیجه گرفته می‌شود که نظام واحد نیازمند به هدف واحد برای اجزا و عناصر خویش می‌باشد و هدف واحد تمامی انواع تربیت‌ها می‌بایست به «عبادت و شناخت» خدا منجر شود. بر همین مبنا و اساس، هدف از تربیت اجتماعی در نهایت، «قرب الهی» است هر چند اهدافی که یاد شد، اهداف متوسطی می‌باشند که همه به یک نقطه نشانه رفته‌اند. وقتی گفته می‌شود تربیت اجتماعی، گاهی مقصودمان از اجتماعی، همان «جامعه‌پذیری» است. این که شخص، فردی در تعامل با اجتماع بوده و جامعه‌پذیری داشته باشد؛ به عبارت دیگر جامعه‌پذیری از مقوله‌های مهمی است که در علوم اجتماعی بر آن تأکید می‌شود. بشر به‌طور طبیعی و متعارف، اجتماعی است و جامعه‌پذیری دارد؛ اما این که ما چگونه این جامعه‌پذیری را تقویت کرده، سامان و رشد دهیم، بر اساس همان مراحل است که در جامعه‌پذیری فرد وجود دارد. کودک از همان ابتدا تا دوران بلوغ و رشد به سمت جامعه‌پذیری حرکت می‌کند. در حقیقت وقتی می‌گوییم تربیت اجتماعی، به این معناست که چگونه شخص جامعه‌پذیر می‌شود. در این معنا بر جامعه‌پذیری شخص تأکید می‌شود. معنای دیگری که قابل ذکر است، نسبت به معنای اول بسط بیشتری دارد.

(6) فهرست منابع و مآخذ؛



تربیت در زیست بوم جدید

1st National Conference on Education in the New Ecosystem

1. اردستانی، احمد صادق، (۱۳۹۹)، اخلاق خانواده، تهران، حافظ نوین،
2. اسماعیل علی، سعید و جواد رضا، محمد، (۱۳۹۴) مکتب های و گرایش های تربیتی در تمدن اسلامی، مترجم، بهروز رفیعی، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم،
3. افخمی اردکانی، محمد علی، (1394) تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، دانشگاه علامه طباطبائی،
4. الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۹۶)، اخلاق اطلاعاتی، قم، زمزم هدایت،
5. امید بیگی، عزت، (1391) تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع)، دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز،
6. امیل دورکیم، قواعد جامعه شناسی، ترجمه، علی محمدکاردان، (۱۳۹۸) تهران، نشر دانشگاه تهران،
7. امین زاده، محمد رضا (۱۳۹۶) فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات در راه حق، اول،
8. امینی، ابراهیم، (1391)، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی،
9. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، (۱۳۹۶) تهران، نشر نی، بیستم،
10. ایمانی، محسن (1396) تربیت اجتماعی، فصلنامه تربیت، شماره ششم، سال سوم،
11. باقری، خسرو، (1394) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه،
12. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) جامعه در قرآن، قم، اسراء، سوم،
13. حبیبی، یحیی، (1386)، عوامل تأثیرگذار در تربیت جوانان، مجله طوبی، ش 17،
14. حسینی، محمد ابراهیم، (1397) روش های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه، مجله کوثر، ش 75،
15. حسین نوری، حاج میرزا (۱۴۱۱، ق) مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت، چاپ سوم،
16. حکیمی، محمدرضا (1390)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج 1، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
17. خدادادی، اسماعیل (۱۳۹۴) مبانی جامعه شناسی، تهران، قم، یاقوت، اول



18. خدایاری فرد، محمد، (۱۳۹۴)، مسائل نوجوانان و جوانان، ج 1، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران،
19. خوانساری، جمال‌الدین، (1386) شرح غررالحکم، تصحیح محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران،
20. داودی، محمد، (1390)، اخلاق اسلامی- مبانی و مفاهیم، تهران، معارف،
21. دراز، محمد عبدالله، (۱۳۹۷)، آیین اخلاق در قرآن، ترجمه، محمدرضا عطایی، ج 1، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی،
22. دشتی، محمد (1384) نهج البلاغه؛ ترجمه قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مؤمنان (ع) .،
23. دلشاد تهرانی، مصطفی، (1392)، سیره نبوی منطق عملی سیره اجتماعی، دفتر دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات،
24. دورکیم، امیل، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، (1396) دانشگاه تهران
25. شارع‌پور، محمود، (1393) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت
26. شریعتمداری، علی (1399) اصول تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، چاپ ششم،
27. شعاری نژاد، علی اکبر (1398)، فلسفه جدید تربیت، تهران، انتشارات اطلاعات،
28. شوشتری، محمدتقی (1386)، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران، امیرکبیر
29. علاقه‌بند، علی، (1389) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان
30. فیاض‌بخش، محمدتقی، (1399)، کرامت نفس در تربیت کودک، تهران، فردا،
31. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۱) توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، نشر قومس،
32. کریمی عبدالعظیم، (1385) آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی، تهران، ناشر عابد
33. کریمی یوسف (1398) روان‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت، تهران، نشر ویرایش
34. محسنی، منوچهر (۱۳۹۶) - جامعه‌شناسی عمومی، تهران، طهوری، چهارم،
35. مرتضوی، سیدمحمد (۱۳۹۹)، اصول و روشها در نظام تربیت اسلام، تهران، انتشارات گلنشر، اول،



36. مطهری، مرتضی (1371) تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات
صدرا، تهران
37. مظلومی، رجبعلی، (1395)، ملاحظات در باب تربیت نوجوان،
مجله تربیت، ش 9،
38. منادی، مرتضی، (1396) درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری،
تهران، نشر جیحون
39. منصورنژاد، محمد، (1394)، مجله پژوهشهای تربیت اسلامی،
ش 1،
40. نیک‌گهر، عبدالحسین (1399) مبانی جامعه‌شناسی تهران،
انتشارات رایزن
41. وفادار، علی، (1394)، «مشکلات جوانان و تأثیر رفتار والدین،
مجله نامه علوم انسانی، ج 12،